

و چون آنرا در لوله و دیگهای دیگر و در رفته رفته در لوله
 در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله
 در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله
 در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله
 در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله

در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله
 در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله
 در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله
 در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله و در لوله

ناتالی ساروت^۱، در این کتاب همان زمینه‌ای را گسترش می‌دهد که
 همواره در پی آماده ساختن آن بوده است. هدف او دریافت ماده‌ای
 روان‌شناختی است که با ماده ساکن و گویی سنگوار شده در زیر نگاه، که
 بیشتر روان‌کاوی تشریحش می‌کند، فرق دارد و ماده‌ای است پیوسته در
 حال شکل گرفتن.

ناتالی ساروت، برای پی گرفتن حرکت‌های بی‌شمار و بی‌نهایت سریع
 و با این حال، دقیقی که تک‌گویی درونی در برخی لحظات نادر
 آشکارشان می‌سازد اما غالب اوقات تا مرز ضمیرآگاه می‌لغزند،
 شیوه‌هایی به کار برده است که ممکن است گاهی حیران سازد. این شیوه
 را ماده اثر به او تحمیل کرده است و او تلاش می‌کند تا آن را درست
 دریابد.

داستان در نظر او صرفاً رشته باریکی است که امکان می‌دهد تا
 حرکت‌های روان‌شناختی را حول برخی مضمون‌ها گرد آورد و مانع از آن
 می‌شود که این مضمون‌ها تا بی‌نهایت پراکنده شوند.
 یکی از این مضمون‌ها، در افلاک‌نما، آفرینش در مرحله اولیه است،

^۱ نتیجه که در پی می‌آید پیش‌گفتاری است که ناتالی ساروت خود بر چاپ جیبی این
 اثر در ۱۹۶۶ نوشته است - م.

همان تلاش خلاقیتی که مدام چهره می‌نماید و راه‌ها را می‌آزماید و موضوعش را جست‌وجو می‌کند و فرو می‌رود و تنزل می‌کند. به طور مثال، در آنچه صرفاً شروورهای پیش پا افتاده یا وسواس‌های پیرزنی شیدایی است. اما این تلاش، شاید روزی نزد یکی از شخصیت‌ها، از طریق ضعف‌ها و ره‌گم کردن‌ها به نتیجه برسد.

زیرا هر شخصیت درون جهانی ساختگی حرکت می‌کند که در مقیاس خود ساخته است و در آن احساس امنیت می‌کند، اما به همان اندازه هم خود را در تنگنا می‌بیند و گاهی می‌خواهد از آن بگریزد. او، در همین ارزش‌های صرفاً قراردادی و در میان این دیدفریبی‌هایی که به دور خود کشیده است، هر لحظه راه‌گم می‌کند. مواضع متداول و مکان‌های برخورد با دیگران، و نیز با خود، در این کتاب، به همان‌گونه که در همه کتاب‌های ناتالی ساروت، احساسات بروز یافته در مبدأ و بی‌نام و اعتراف ناشده‌ای را که او در آشکار کردنشان می‌کوشد، در عین حال پوشیده می‌دارد و برملا می‌کند.